



گفت‌وگو با روحانی جوان محله مشهدقلی

امین مردم توس

هم محلی



سبک زندگی، خدمت به مردم، نوع منش و رفتار در محله، زبانزد عام و خاص است. اهالی محل او را امین محله دوست‌آباد می‌دانند و از او به نیکی یاد می‌کنند. روحانی جوان محله توس خیلی خوب توانست در طول سال‌های سکونتش در این محله، جا در دل ساکنان باز کند به طوری که اکنون ۱۶ سال است امام جماعت مسجد جوادالائمه است، البته کارشناس مسائل شرعی آستان قدس رضوی و ناظر ذبح نیز است. او در این گفت‌وگو به اقدامات و فعالیت‌های شاخص اعضای مسجد و هیئت امنای آن پرداخته است.

ازدواج در شانزده سالگی

آقای جواد خشکی متولد سال ۶۳ است که در یک خانواده پر جمعیت در محله طلاب چشم به جهان گشود. او درباره کودکی خود این‌گونه می‌گوید: پنج ساله بودم که مادرم را به دلیل فشار خون بالا از دست دادم و بعد از آن در هفدهم رمضان سال ۷۸ زمانی که تنها ۱۳ سال داشتم پدرم بر اثر سانحه در محل کارش به دیار باقی شتافت. از سن ده سالگی و زمانی که در مقطع پنجم ابتدایی تحصیل می‌کردم به محله توس آمدم و در همین منطقه ساکن شدیم. هم‌زمان با درس خواندن ورزش هم می‌کردم و در یک دوره به عنوان یکی از بازیکنان تیم فوتبال تبادکان بازی کردم. در دوران دبیرستان تصمیم گرفتم که برای ادامه تحصیلات وارد حوزه شوم و به عنوان طلبه شروع به تحصیل کردم. از همان ابتدای دوره نوجوانی به بسیج علاقه داشتم و به عضویت بسیج محله درآمد. هم‌زمان در جلسه قرآن هم شرکت می‌کردم تا اینکه در همین جلسه‌ها با قاری قرآنی که به ما آموزش می‌داد آشنا شدم و این آشنایی به ازدواج با دختر ایشان منجر شد. ازدواج من در شرایطی انجام شد که من از نظر مالی در سطح بسیار پایینی قرار داشتم بدون هیچ ثروت شخصی یا ارث پدری! در نهایت در سن شانزده سالگی ازدواج کردم و اکنون دارای ۲ فرزند پسر هستم که یکی ۱۸ سال و دیگری ۱۲ سال سن دارد.

برخورد اهالی محله محترمانه است

هنوز نوزده سالگی را تمام نکرده بودم که به عنوان امام جماعت مسجد جوادالائمه واقع در توس ۸۱ انتخاب شدم. مسجدی که تا قبل از این من به عنوان نمازگزار در آن حضور پیدا می‌کردم و اکنون نزدیک به ۱۶ سال است که امام جماعت مسجد جوادالائمه هستم.

طی این سال‌ها هیچ بی‌مهری، بی‌محبتی یا بی‌احترامی نسبت به خودم و روحانیت در این مسجد و محله ندیدم و مردم محله بسیار با احترام با روحانیت برخورد می‌کنند. از زمانی که در مسجد به عنوان امام جماعت مشغول به خدمت‌رسانی شدم، تحصیل در دروس حوزوی را ادامه دادم و به پیشرفت خوبی دست یافتم. در کنار مسئولیت مسجد و تحصیل به صورت پاره وقت شروع به کار کردم و برای تأمین مخارج زندگی‌ام در حوزه امور ساختمانی و بنایی فعالیت کردم و به این مسئله افتخار می‌کنم که به عنوان کارگر در کنار برادران دینی خودم قدم برداشتم و مشغول شدم.

علاقه به امور عام‌المنفعه

یکی از اهداف زندگی من همیشه این بوده است که بتوانم مشکلی از مشکلات مردم را رفع کنم، اما اینکه چقدر تاکنون موفق بوده‌ام یا نه قضاوتش با خداوند است! در کنار حضور مستمر در مسجد همیشه سعی کردم از افرادی که تمکن مالی دارند کمک‌های نقدی و غیرنقدی را تهیه و جمع‌آوری کنم و میان افراد نیازمند محله با حفظ آبرو و عزت نفسشان توزیع کنم. در راستای همین علاقه شخصی به کارهای عام‌المنفعه و خیرانه، در حادثه سیل پل دختر لرستان، با تعداد ۴۰ نفر از بسیجی‌ها و هیئت امنای مسجد برای کمک و روحیه دادن به مردم آسیب‌دیده لرستان به این منطقه رفتم. حضور ما در کنار مردم لرستان به عنوان کسانی که از شهر مشهد برای کمک آمده بودند حس دلگرمی به مردم داد و حضور من به عنوان کسی که با لباس روحانیت در کنار مردم برای کمک جهادی آماده بود حس خوبی هم به خودم و هم به مردم آسیب‌دیده این منطقه داد و می‌توانم بگویم یکی از بهترین خاطرات زندگی من و یکی از بهترین تجربیاتم حضور در این شرایط در کنار مردم پل دختر بود و دیدن نگاه دلگرم و پر از امید مردم باعث شادی و خوش‌حالی ما بود.

اهالی محله، مردمانی انقلابی هستند

یکی از دلایل ماندگار بودن طولانی من در مسجد جوادالائمه به دلیل هیئت امنای خوب این مسجد و مردم فهیم این منطقه است، مردمی که از قبل انقلاب به صورت انقلابی زندگی کردند و اکنون که سال‌ها از انقلاب اسلامی می‌گذرد همچنان پیروی انقلاب و رهنمودهای امام (ره) و مقام معظم رهبری هستند. از فعالیت‌های مثر ثمر و جهادی مسجد، حضور پر رنگ مردم در کمک‌رسانی و خدمت در شرایط بحرانی کروناست که همگی دست به دست هم دادیم و با کمک هیئت امنای مسجد قبل از سال ۹۹ و هم‌زمان با شیوع کرونا با تهیه مواد ضدعفونی و با وسایل نقلیه شخصی مردم معابر را ضدعفونی کردیم. ■

هنوز نوزده سالگی را تمام نکرده بودم که به عنوان امام جماعت وارد مسجد جوادالائمه شدم

